

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Impact of Modernization on the Physical-Spatial Structures of Tehran
in the First Pahlavi period and those of Kabul in Amani Period
همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

تأثیر مدرنیزاسیون بر ساختار کالبدی-فضایی تهران در دوره پهلوی اول و کابل در دوره امانی

علی یاسر جعفری^۱، سعید حقیر^{۲*}

۱. پژوهشگر دکتری معماری، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۹

چکیده

بیان مسئله: ظهور تفکرات مدرنیزاسیون در قالب جریان‌های فراگیر در فرهنگ و ادب کشورهای جهان، علاوه بر اثرات ذهنی، به‌گونه‌ای عینی نیز در کالبد معماری و شهرسازی تجلی یافت و شکل دیگر و واژه‌های جدیدی به شهرها بخشید که از آنها می‌توان به شهرهای مدرنیستی یاد کرد. در حالی که در تهران در دوران پهلوی اول با پژواک مدرنیزاسیون تحولات چشم‌گیری رخ داده است، در مقاطع زمانی تقریباً مقارن در کابل، تفکرات سیاسی و اجتماعی و به تبع آن کالبد شهری با درون‌مایه همسانی با تهران در حال شکل‌گیری بود.

هدف پژوهش: هدف پژوهش حاضر تبیین نقش پروژه مدرنیزاسیون و نحوه تأثیرگذاری آن بر تحولات ساختار کالبدی-فضایی کابل دوره امانی و تهران دوره پهلوی اول است تا به این سؤال پاسخ داده شود که تحولات شهری تهران و کابل در دوره‌های مذکور دارای چه ساختار، ماهیت و جنبه‌های متفاوت و مشابهی بوده‌اند؟

روش پژوهش: این پژوهش به صورت تاریخی-تطبیقی و با رویکردی کیفی به کمک مطالعات اسنادی صورت گرفته است که از روش تاریخی-تفسیری در بخش گردآوری مبانی نظری و روش توصیفی-تحلیلی در زمینه تحلیل و مقایسه تحولات ساختار کالبدی-فضایی تهران و کابل استفاده کرده است. نتیجه‌گیری: مقایسه اقدامات مدرنیزاسیون رضاشاه و امان‌الله‌خان نشان می‌دهد شباهت زیادی در شدت و تنوع این اقدامات وجود دارد. می‌توان گفت شکل‌گیری شهر در این دو کشور درون‌زا، زایشی، جوششی، پویا و متأثر از زمینه جامعه نبوده است؛ بلکه ناشی از سیاست نوسازی و غربی‌سازی و مبتنی بر میل و دستورات دولت بوده است.

واژگان کلیدی: ساختار کالبدی-فضایی، کابل، تهران، امان‌الله‌خان، راسیونالیسم غربی، توسعه درون‌زا.

مقدمه و بیان مسئله

مدرنیزاسیون و تبعیت از غرب یکی از مهم‌ترین رویکردهایی بود که برای جبران عقب‌ماندگی و رسیدن به پیشرفت در کشورهای توسعه‌نیافته مورد توجه قرار گرفت. باورمندان این دیدگاه در مقطع زمانی تقریباً یکسان در زمان امان‌الله‌شاه (۱۹۲۹-۱۹۱۹ م.) و رضاشاه (۱۹۴۱-۱۹۲۵ م.) در دو کشور افغانستان و ایران قدرت را در دست گرفتند. از این دوران، مدرنیزاسیون به مطالبه‌های عمومی

نزد روشنفکران جامعه و موضوع اصلی روزنامه‌ها و مجلات بدل شد؛ ضمن آنکه رویدادهای داخلی و بین‌المللی نیز زمینه را برای کنا گذاشتن دولت‌های سنتی موجود مهیا کرد. امان‌الله‌خان و رضاشاه هر دو بر چارچوب نوسازی طبق الگوی اروپایی و سیاست غربی‌سازی و با شعارهایی همچون انقلابی‌گری و آزادی‌خواهی به قدرت رسیدند (Doorandesh, 2019, 62-69) و به مردم وعده اصلاحاتی در زمینه‌های مساوات، جلوگیری از رشوه‌خواری، عدالت، نوسازی و غیره دادند (ماگنوس و نبی، ۱۳۸۰، ۵۹-۵۷). رضاشاه، بعد از رسیدن به قدرت مطلقه، از ۱۹۲۵ م. در

* نویسنده مسئول ۰۹۱۲۴۴۳۴۹۲۷، saeed.haghir@ut.ac.ir

این حیث پژوهش حاضر بدیع است؛ اما برای دستیابی به مبانی نظری مورد نیاز، منابعی که به بررسی موضوع پژوهش در دوره مربوطه، تحولات سیاسی و اجتماعی آن دوره پرداخته‌اند، به شرح جدول ۱ ارائه می‌شوند. هر کدام از این منابع، به‌عنوان مبنایی برای مطالعات حوزه مربوطه، به روند تحلیل داده‌ها کمک می‌کند و آنها را مستند می‌سازد.

مبانی نظری

• ساختار کالبدی-فضایی افغانستان و ایران قبل از

مدرنیزاسیون

شهرهای اسلامی از جمله در ایران و افغانستان دارای عناصر و فضاهایی بودند که تا قبل از ورود فرهنگ غربی، اتومبیل و رواج الگوهای جدید، دس نخورده ماندند. پیرامون شهرهای سنتی اسلامی، به جز معدودی از شهرها، برای حفاظت شهر در برابر مهاجمان و ایجاد شرایط آب‌وهوایی مناسب دیوارهایی ایجاد می‌شد. تصویر جهان در این شهرها بر اساس زندگی معنوی و مادی به رابطه جدانشدنی سه عنصر سیاست، اقتصاد و مذهب اشاره دارد و تجلی کالبدی این عناصر ارگ، بازار و مسجد است که ساختار شهر بر مبنای مرکزیت آنها شکل می‌گیرد.

در تهران و کابل عرصه‌های سکونت با نظامی متمرکز، شهر را به چند محله مشخص با ویژگی‌های خاص خود با مسجد و حمام و بازار و غیره در سطح محله‌ای و در مقیاس کوچک در خود تقسیم می‌کردند. کوچه‌ها باریک و پرپیچ‌وخم بودند که از یک طرف به بازار و از طرف دیگر به بن‌بست منتهی می‌شدند. گاهی محله‌ها نیز برای خود برج‌و بارو داشتند. مصالح مورد استفاده در ساخت‌وساز کم دوام و بومی بودند، به طوری که اکثر ساختمان‌ها از خشت و گل بود و در بعضی موارد ثروتمندان از آجر استفاده می‌کردند (اهلرس، ۱۳۸۰، ۶۸-۱۶۶).

این شهرها به صورت ارگانیک رشد کرده و پاسخگوی نیازهای روزمره مردم بودند. در ساختار شکل‌گیری آنها، کنترلی آگاهانه بر محیط فیزیکی و اجتماعی وجود نداشت و آنچه بروز می‌کرد، مجموعه‌ای از خواست‌های اجتماعی بدون تسلط و کنترل انسان‌ها بر اطراف و کنترل کالبدی بود. البته این بدان معنا نیست که نظام اجتماعی، در ریخت‌شناسی شهرها نقشی ایفا نمی‌کردند بلکه کاملاً برعکس، شکل شهرها، نتیجه تصمیمات متعدد اقشار، اصناف، گروه‌ها و سیاسیونی بود که نگاه متفاوت و گاه متناقض به شهرها داشتند و این تفاوت در دیدگاه، شکل ظاهری شهرها را می‌ساخت (وزینی‌افضل، ۱۳۹۸، ۱۷۴). طبق مدل دتمان در شهرهای سنتی و اسلامی در درونی‌ترین لایه، مسجدآدینه و بازار قرار دارد و راسته بازار با سلسله مراتب بازرگانی و

جهت تشکیل یک دولت مرکزی قوی از همان آغاز بر ضرورت نوسازی و اصلاحات مالی، اداری، اقتصادی، نظامی، آموزشی، پیشرفت تجارت از طریق احداث جاده‌ها و راه‌آهن تأکید کرد (خلیلی‌خو، ۱۳۷۳، ۱۳۰-۱۲۹). بدین ترتیب فرایند مدرنیزاسیون با شدت بیشتری در دستور کار دولت‌های جدید قرار گرفت و روند تحولات فرهنگی در جهت غربی‌سازی به سرعت دنبال شد. رهبران دو کشور در پی واردکردن نهادها، شیوه زندگی، مؤسسات و فرم‌های غربی به خصوص در معماری و شهرسازی بودند.

ایدئولوژی هر دو شخصیت برای پیاده‌کردن مدرنیزاسیون، ملی‌گرایی بود. مقوله ملی‌گرایی در هر دو حکومت علاوه بر سیاست، در عرصه‌های مختلف فرهنگی نیز تأثیر بسزایی داشت. ضمن اینکه این ایدئولوژی می‌توانست به برنامه مدرنیزاسیون و تمرکزگرایی این حاکمان مشروعیت بخشد.

در دوره پهلوی دوم سیاست ملی‌گرایی در ایران همزمان با گرایش به مدرنیزاسیون پیگیری شد. اما حکومت امانی در ۱۹۲۹م. قدرت را از دست داد و تا مدت‌ها برنامه حکومت پیشین مورد انتقاد قرار می‌گرفت. چگونگی تأثیر مدرنیزاسیون و در پی آن سیاست مزبور بر معماری و شهرسازی دو کشور، موضوعی است که جهت‌گیری این پژوهش را مشخص کرده است. بدین ترتیب نگارندگان قصد دارند تا با روش تطبیقی، تحولات شهر تهران و کابل را در بستر فرایند نوسازی مطالعه کنند و تشابه و تضاد در شهرسازی نوگرایی دو کشور را برجسته سازند.

روش تحقیق

پرواضح است که تحلیل درباره مدرنیزاسیون در شهرسازی کابل و تهران مستلزم روندهای تاریخی است؛ بدین ترتیب برای بحث و بررسی این مسئله از روش تاریخی-تطبیقی به کار گرفته شده است. در این روش، تحلیل تبیینی و تحلیل تفسیری-تاریخی حضور همزمان دارند. با توجه به تحلیل تفسیری-تاریخی، مورد مطالعه در زمینه ساختار شهر خود قرار گرفته و با کمک نظریه تحلیل می‌شود. در تحلیل تبیینی که در پی علت است، سعی می‌شود مورد مطالعه در معرض پژوهش و با حضور و غیاب شروط علی در سطح واحدهای کلان تحلیل شود. در این چارچوب روش‌شناسانه و معرفتی، متغیرها مکانمند و زمانمند و نام‌ملتها به منزله متغیرها یا موردها نقش اساسی دارند (در این مطالعه، افغانستان و ایران در بازه زمانی خاص).

پیشینه تحقیق

از حیث موضوع، به خصوص ساختار شهری کابل در دوره مورد مطالعه، پیشینه پژوهش مبسوطی یافت نشد و از

جدول ۱. پیشینه پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	منبع	عنوان	توضیحات
۱	شماعی (۱۳۸۹)	نقش الگوهای شهرسازی سنتی در شهرسازی مدرن شهر یزد	شهرسازی سنتی و مدرن، برخلاف نظر بعضی از محققان نه تنها در تقابل و تضاد نیستند، بلکه در روند دستیابی به بومی سازی و توسعه پایدار شهر مکمل یکدیگرند.
۲	یزدانی و محمدی (۱۳۸۶)	تأثیر مدرنیسم بر تحولات کالبدی شهرهای ایرانی اسلامی، نمونه موردی: تبریز	تحولات کالبد شهری معاصر تبریز بیشتر ناشی از ظهور مدرنیسم در اقتصاد، اجتماع، سیاست، فرهنگ و غیره است.
۳	قبادیان و رضایی (۱۳۹۳)	نخستین میدان مدرن شهر تهران بررسی دگردیسی تاریخی - فضایی میدان های کهن تهران تا دوره مدرن	میدان توپخانه که در زمان سلطنت ناصرالدین شاه شکل گرفته، نخستین میدان احداث شده در تهران است که ویژگی فضاهای شهر مدرن در آن پدیدار شده است.
۴	پارسی پور و توانا (۱۳۹۲)	پست مدرنیسم و شهر با تأکید بر الگوها و طرح های برنامه ریزی شهری	تغییر پارادایم مدرنیسم به پس مدرنیسم در شهرسازی سبب تغییر نگرش در دیدگاه های اقتصادی و اجتماعی در طرح ها شده است به گونه ای که شاهد جایگزینی طرح هایی مثل طرح های ساختاری راهبردی و همچنین طرح های استراتژی توسعه شهری و سایر طرح ها به جای طرح های جامع مدرنیستی بوده اند.
۵	پوراحمد، فرجی ملایی، منوچهری و عظیمی (۱۳۹۰)	تأثیر مدرنیسم بر توسعه فضایی - کالبدی شهرهای ایرانی - اسلامی (نمونه تهران)	تهران پس از عبور از دوره شهرسازی رضاخانی بار دیگر دچار تحولات جدی در سیمای اقتصادی و شهری شد. قبل از رضاخان شهر به طور یکپارچه و براساس نیازها شکل می گرفت که با ورود مدرنیسم نه به صورت مدرنیسم بلکه براساس اهداف دنیای مدرن شکل گرفت.
۶	جمالی و ملکی (۱۳۸۴)	جستاری بر مکاتب مدرنیسم و پست مدرنیسم در معماری و شهرسازی	شهرسازی مدرنیسم هرگز از مشتریان خود یعنی ساکنان خانه ها نظرخواهی نمی کرد.
۷	کاتوزیان (۱۳۸۵)	اقتصاد سیاسی ایران	همه سنت ها، نهادها و ارزش های ایران عقب مانده، و شکل گیری ناسیونالیسم رادیکال و شیفته شکوه شاهنشاهی باستانی را مورد تحلیل قرار می گیرد.
۸	گریگوریان (۱۳۹۶)	ظهور افغانستان نوین	رویکردهای روشنفکری دوران امان الله خان و تأثیر آنها بر جامعه افغانستان در ابعاد مختلف از جمله اقتصاد، جامعه و... را مورد مطالعه قرار می دهد.
۹	محمدغبار (۱۳۶۸)	افغانستان در مسیر تاریخ	این کتاب تاریخی به تحولات سیاسی و اجتماعی پادشاهان افغانستان اشاره دارد و در بخشی از آن به اقدامات فرهنگی، اقتصادی و اصلاحات دوره امان الله خان می پردازد و بر این اساس، تأثیر این تحولات بر روی ابعاد مختلف جامعه مورد ارزیابی قرار می گیرد.
۱۰	عارض (۱۳۷۷)	کابل: کابل دیروز، کابل امروز و کابل با فردای مبهم آن	به تاریخ شهر کابل پرداخته است. در بخش اول سیر تکامل شهر کابل، رویدادها و ضابطه های فرهنگی و کارکردهای مؤثر بر شهر و در بخش دوم مجموعه شهر معاصر کابل را با توجه به توسعه و انکشاف آن همراه با مسائل و کاستی های آن مورد پژوهش قرار می دهد.

تغییر خصوصیات فرهنگی و اجتماعی تهران و کابل، بسیاری از ویژگی های فیزیکی و کالبدی دچار تحول شد.

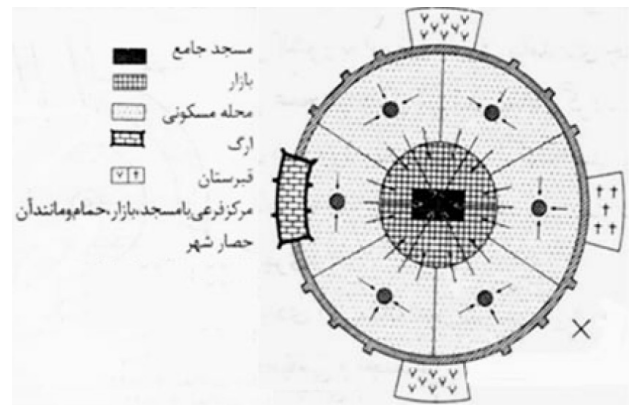
• **اصلاحات ایران و افغانستان در پروژه مدرنیزاسیون**

در منطقه خاورمیانه و سال های بین دو جنگ جهانی برخی رهبران سیاسی قدرتمند و اغلب کاریزماتیک، نظیر امان الله شاه در افغانستان، رضاشاه در ایران، آتاتورک در ترکیه، پروژه مدرنیزاسیون را در برنامه های شخصی خودشان

پیشه وری تعریف شده است. در لایه بعدی محلات مسکونی با جدایی گزینی هماهنگ با تفاوت اجتماعی، قومی، دینی و غیره شکل گرفته است که تمامی این مؤلفه های شهری را استحکامات نظامی-دفاعی احاطه کرده است. در نهایت گورستان ها و بازارهای موقتی در خارج از باروی شهر قرار گرفته است (تصویر ۱)، (پوراحمد و موسوی، ۱۳۸۹، ۳). به دنبال رسیدن موج فراگیر شهرسازی های جدید علاوه بر

امانی (۱۹۲۳) و مدرسه غازی (پیروزی) را تأسیس کرد. همچنین برای فراگیری علم دانشجویانی را به سایر کشورها فرستاد. در این دوره، تحت تأثیر افکار نهضت مشروطه در ایران و در پی آن افغانستان، طبقه جدید تحصیل کردگان در غرب و طبقه حاکم بر این عقیده بودند که جامعه سیاسی را باید با تغییر از فرهنگ سنتی به فرهنگ مدرن پیش برد؛ در واقع روشنفکران تنها راه رسیدن به تمدن غرب را دوری از سنت‌ها و فرهنگ دینی حاکم بر مردم می‌دانستند. در ایران نیز با نوسازی درحوزه آموزشی، نظام آموزشی جدید با معلمان غیرروحانی و تابع ضوابط وزارت فرهنگ جای مکتب‌خانه‌ها تحت نظر روحانیون را گرفت و پس از تأسیس دارالفنون - که نخستین دانشگاه ایرانی به سبک جدید بود - کوشش‌هایی در ایجاد مدرسه‌های عالی در زمینه‌های مختلف علوم و فنون به منصفه ظهور رسید (تکمیل همایون، ۱۳۸۵، ۸۷)؛ تعداد دانشسراهای کشور به ۳۶ رسید (Banani, 1961, 94). مدارس مختلط در دهه ۱۳۱۰ (۱۹۳۱ م.) و اعزام دانشجو به اروپا تأثیرات عمیقی بر سنن، روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه به جای گذاشتند (فولادزاده، ۱۳۶۹، ۲۲۷).

رضاشاه با فراهم آوردن نظام قضایی و حقوقی جدید و سکولار، به دوگانگی میان محاکم عرف و محاکم شرع پایان داد. اقتدار، اختیارات و حوزه فعالیت علما در امر معاملات، عقد و ازدواج و قضاوت محدود شد. سازمان عدلیه و همه دادگاه‌ها منحل شد و سازمان نوین دادگستری به وجود آمد. روحانیون از ریاست دادگاه‌ها برکنار شدند و برای قضاوت داشتن تحصیلات عالی الزامی شد، به طوری که حدود ۹۰ درصد روحانیون، وضعیت اجتماعی و مشاغل قضایی خود را از دست دادند (دیگار، هورکارد و ریشار، ۱۳۷۸، ۱۰۰). در افغانستان اصلاحات قضایی از جمله معرفی قوانین جدید براساس قوانین حقوقی ترک سکولار اعمال شد و طبق اصلاحات سیاسی و حقوقی، قدرت از جریان مذهبی (علما)، که نفوذ زیادی به دلیل توانایی در تفسیر شریعت داشتند، به سلطنت و دولت مرکزی تغییر یافت (Saikal, 2004, 74). قبل از ۱۹۲۰ م. با کنترل آموزش توسط علما و عمدتاً یادگیری متون مقدس و آثار کلاسیک، میزان سواد ملی تقریباً دو درصد بود. در دوران امانیه برنامه درسی سکولار در کنار موضوعات اسلامی معرفی شد و سعی بر این بود تا آموزش تحت کنترل دولت مرکزی باشد (Poullada, 1973, 128). برای آزادی زنان - برای اولین بار در تاریخ افغانستان - حق انتخاب در ازدواج، حق مساوی برای وراثت، حداقل سن ازدواج و حفاظت قانونی علیه سوءاستفاده به آنها اعطا شد و اولین مدرسه ابتدایی دخترانه در سال ۱۹۲۱ م. تأسیس شد (Burki, 2011, 46). برای از میان بردن تفاوت اجتماعی،



تصویر ۱. مدل دتمان از شهرهای اسلامی سنتی. مأخذ: (Ehlers & Floor, 1993).

تعریف و ادغام کرده بودند و آنها در صدد بودند این پروژه را به عنوان یک غایت و آرزوی غیرقابل اجتناب و شیوه‌ای برای احیای ملت ارائه دهند. امان‌الله‌شاه پس از اعلام استقلال از انگلیس در مرحله نخستین با ایجاد اصلاحات فرهنگی - اجتماعی، نظامی و اقتصادی تلاش کرد، دولت افغانستان را از اساس کهنه قبایلی خارج کند (غبار، ۱۳۷۸، ۸۱۳-۸۱۲). در آن سو حکومت رضاخان نیز به عنوان سرآغاز عصری جدید در تاریخ ایران (عصری که که با عناوین مختلفی چون «دوران تجدد طلبی توأم با شیفتگی»، «سلطه شبه مدرنیسم» و «غرب‌ستایی» خوانده شده است) سرمنشأ کلیه تحولات اقتصادی اجتماعی قرن حاضر تلقی می‌شود و پیدایش غالب نهادهای نوین به این دوران باز می‌گردد (سعیدی‌رضوانی، ۱۳۷۱، ۳۲۸). او همانند امان‌الله‌خان بعد از رسیدن به قدرت مطلقه، در جهت تشکیل یک دولت مرکزی قوی، از همان آغاز بر ضرورت مدرنیزاسیون و اصلاحات مالی، اداری، اقتصادی، نظامی، آموزشی و پیشرفت تجارت تأکید داشت.

با توجه به نقش چشمگیر مطبوعات در مدرنیزاسیون، حکومت امانی در ۱۹۱۹ م. چاپ روزنامه تعطیل‌شده «سراج الاخبار» را با نام جدید «امانیه افغان» در کابل از سرگرفت. در پی آن، روزنامه‌های دیگری از جمله فریاد، اتفاق اسلام، اتحاد شرق، طلوع افغان شروع به نشر کردند و نویسندگان آنها بر سه پیام مهم استقلال، ملی‌گرایی و بالاتر از همه نوگرایی تأکید داشتند (گریگوریان، ۱۳۹۶) و به ستایش علم می‌پرداختند و بر این عقیده بودند که وحدت ملی بدون علم و مدرنیزاسیون امکان‌پذیر نیست. دولت نیز برای تربیت طبقه روشنفکر به عنوان عامل ضروری دستیابی در اصلاحات و مدرنیزاسیون و آموزش گروهی مقتدر که سلطنت را اداره کنند، سیستم آموزشی را با استخدام معلمان ترکی، مصری، فرانسوی و آلمانی استخدام توسعه داد (گریگوریان، ۱۳۹۶) و سه مدرسه تحصیلات عالی به سبک مدارس اروپایی - مدرسه امانیه (۱۹۲۲) (Fouchet, 1931, 176)، مدرسه

دو دسته رهبران و پیروان تقسیم شد که بخش‌های بزرگ باید تابع قواعد، معیارها و الگوهای پیشرفت و حتی فرهنگ غرب می‌شدند (حسینی و مریدی، ۱۳۹۷، ۸). در این وضعیت کشورهای پیرامونی در صدد برآمدند تا با استفاده از الگوهای مدرنیزاسیون غربی، شرایط را برای توسعه و جبران عقب‌ماندگی فراهم کنند و بسیاری از روشنفکران تنها راه پیشرفت را مدرنیزاسیون و اروپایی‌مآبی و تقلید کامل از الگوهای غربی دانستند. شکل‌گیری دولت‌های شبه مدرن امان‌الله‌خان و رضاشاه نتیجه همین فرایند بود. بنابراین می‌توان از نوعی الگوی مرکز-پیرامون سخن گفت که در آن تبعیت از الگوی مدرنیزاسیون مرکز دستور کار کشورهای پیرامون قرار گرفت (جدول ۲).

تأثیر مدرنیزاسیون بر ساختار تهران

توسعه شهر تهران عمدتاً از ۱۳۰۸ (۱۹۲۹ م.) در دوران رضاخان با انجام مجموعه اقدامات اساسی در زمینه زیرساخت نظام نوین آغاز شد و عناصر جدید شهر که همگی در عرصه کاربری‌های عمومی قرار داشتند، موجب تغییر سلسله‌مراتب و نسبت میان فضای عمومی و خصوصی شد. بر مبنای نقشه‌ای که شهرداری آن را تنظیم کرده بود، از چهار جهت به اندازه یک کیلومتر به وسعت این شهر افزوده شد (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۰، ۵۳).

تمامی اقداماتی که از آن هنگام در جهت مدرنیزاسیون صورت می‌گرفت، در واقع تلاش‌هایی به‌منظور پیوند دادن جامعه ایرانی به غرب و توسعه ارتباطات و تشابهات آن با جوامع غربی بود. مدرنیزاسیون در ایران جوانب مختلفی را در بر گرفت. از جمله اقدامات مهم، احداث راه‌ها و جاده‌ها بود که جابه‌جایی مسافران و حمل‌ونقل را تسهیل کرده بود (باری‌یر، ۱۳۶۳، ۲۹۴). برای اولین بار در تاریخ شهرگرایی و شهرنشینی ایران، دولت بر آن شد، شهر را نه بر مبنای تفکر و تحول درونی بلکه بر اندیشه و تغییر بیرونی دگرگون سازد (حبیبی، ۱۳۹۰، ۱۶۱).

مفهوم دارالخلافه با برداشته شدن باروهای دارالخلافه ناصری در ۱۳۱۱ (۱۹۳۲ م.) از جلوی صحنه به جایی در پشت صحنه اجتماعی رفت (حبیبی و اهری، ۱۳۸۵، ۴۳). به طوری که بعد از تخریب باروها، خندق‌ها را پر کردند و در محل آنها خیابان‌های جدید از جمله لاله‌زار نو، پهلوی و غیره ساخته شد (تصویر ۲) و محدودیت توسعه شهر از میان رفت، چنان‌که تهران در ۱۳۰۸ (۱۹۲۹ م.) با وسعت ۲۴ کیلومتر مربع، به ۴۶ کیلومتر مربع در ۱۳۱۲ (۱۹۳۳ م.) توسعه یافت (پوراحمد، فرجی‌ملایی، منوچهری و عظیمی، ۱۳۹۰، ۵۴).

تصویر ۳ مراحل توسعه کالبدی شهر تهران را در چهار مقطع

لباس غربی را به جای لباس‌های سنتی تشویق کرد و علاوه بر آزاد کردن محبوسان مشروطه‌خواه زمان پدرش، سعی کرد روشنفکران را در امور دولت شرکت دهد (غبار، ۱۳۶۸، ۷۹۹-۷۹۴).

توسعه ارتباطات و حمل‌ونقل و گسترش شبکه راه‌های ارتباطی توسط رضاشاه نقش چشم‌گیری در بهبود حوزه مبادله کالا و خدمات بین مناطق مختلف شهری و روستایی داشت و به نوسازی صنعتی و اقتصادی کمک شایانی کرد. احداث خط آهن سراسری جنوب و شمال و در اواخر سلطنت بخشی از مسیر شرق و غرب کشور جاه طلبانه‌ترین و گسترده‌ترین فعالیت زیربنایی دولت در دهه ۱۳۱۰ بود (سوداگر، ۱۳۵۷، ۲۶۹). رشد مناسبات سرمایه‌داری صنعتی در این دوره به پیشگامی و هدایت دولت صورت گرفت. ایجاد صنایع جدید که به دنبال شکست برنامه‌های بخش خصوصی در اواخر دوره قاجاریه عملاً رها شده بود، با دخالت و حمایت گسترده دولت از بخش خصوصی در دستور کار قرار گرفت و بین سال‌های ۱۳۱۷-۱۳۱۳ تأسیس کارخانه‌های جدید و نیز گرایش به احداث کارخانه‌های بزرگ‌تر شتاب گرفت (باری‌یر، ۱۳۶۳، ۲۶۱). شمار کارخانه‌های صنعتی مدرن، بدون احتساب تأسیسات نفتی، هفده برابر افزایش یافت و از بیست کارخانه صنعتی جدید و پنج کارخانه بزرگ در ۱۳۰۴ به ۳۴۶ کارخانه مدرن در ۱۳۲۰ رسید (آبراهامیان، ۱۳۷۸، ۱۸۲).

امان‌الله‌خان نیز با سازماندهی مجدد و منطقی‌کردن نظام مالیاتی از جمله لغو مالیات‌های اختیاری شروع و اولین بودجه ملی را در تاریخ افغانستان معرفی کرد (Saikal, 2004, 74). برای تأمین مالی صنعتی‌سازی، در جهت بهبود بهره‌وری کشاورزی سیاست اصلاح اراضی را پیش گرفت که طبق آن زمین‌های دولتی با قیمت پایین به کشاورزان فقیر فروخته می‌شد (Poullada, 1973, 135). همچنین برنامه‌ریزی‌هایی برای نیازهای زیرساخت یک اقتصاد صنعتی با ساخت شبکه‌های ارتباطی مانند جاده‌ها، تلگراف و خطوط تلفن و خدمات پستی صورت گرفت. تا اواخر دهه ۱۹۲۰ م، افغانستان نیز از طریق هوایی به تاشکند، تهران و هند متصل شد (گریگوریان، ۱۳۹۶، ۲۴۷).

نقطه مشترک ایران و افغانستان «پیرامونی‌بودن» آنها می‌باشد. این موقعیت در پی تحولات گسترده قرن هجدهم و نوزدهم شکل گرفت و نتیجه آن تقسیم جهان به دو بخش نامتوازن بود که در یک سوی آن غرب ثروتمند و پیشرفته و در سوی دیگر آن کشورهای غیرپیشرفته قرار داشتند. به عقیده اشمیت، از آنجا که غرب از لحاظ تاریخی نخستین منطقه‌ای بود که مدرنیسم را تجربه کرد، توانست برتری خود را به بخش‌های دیگر تحمیل کند. بدین ترتیب، دنیا به

جدول ۲. مقایسهٔ اصلاحات در حکومت پهلوی اول و امانیه. مأخذ: نگارندگان.

تفاوت	تشابه
ایران: آشفتگی به دلیل تهدید از طرف روس و انگلیس؛ شورش‌ها و سرکوب آنها توسط رضاخان. افغانستان: آشفتگی به دلیل قتل امیر پیشین؛ عدم پرداخت وام از طرف انگلیس؛ شورش اقوام مختلف به دلیل ظلم‌وستم دولت قبلی.	اوضاع کشور در شروع حکومت آشفته و نابسامان
ایران: تداوم این رویکرد به پهلوی دوم. افغانستان: تغییر در رویکرد حکومت‌های بعدی.	الگوی مدرنیزاسیون کارگزار مدرنیزاسیون ترکیه و کشورهای اروپایی دولت و در رأس آن فرد نظامی؛ نوسازی از بالا؛ پیرامونی‌بودن
ایران: افزایش نفوذ قبایل و عشایر در قدم اول در ارتش و خلع سلاح آنها بعد از برقراری امنیت. سربازگیری بدون تعلقات قومی، قبیله‌ای و دینی (عامل موفقیت). افغانستان: کاهش نفوذ سران اقوام و عشایر در قدم اول در ارتش ولی بعدها افزایش نفوذ چشم‌گیر. برکناری افراد باتجربه و استخدام افراد جوان (عامل شکست).	نظامی تقویت نیروهای نظامی به منظور تحقق مدرنیزاسیون؛ فرستادن دانشجو به سایر کشورها برای فراگیری امور نظامی؛ خریداری ادوات نظامی مدرن. سربازگیری از سن خاص.
ایران: تلاش برای اسکان اجباری عشایر و جلوگیری از بیلاق و قشلاق. عدم استقلال به دلیل دخالت روس و انگلیس در امور سیاسی. افغانستان: دست گذاشتن بر روی عوامل رنج مردم یعنی عدم استقلال؛ اتخاذ استقلال از انگلیس.	اجتماعی تضعیف روحانیون و جامعهٔ سنتی؛ از بین بردن لباس قدیمی و روی کارآمدن لباس به سبک اروپایی؛ کشف حجاب عامل قیام مردم
ایران: تأسیس دانشگاه افغانستان: عدم تأسیس دانشگاه	آموزش انتقال آموزش از مساجد به مدارس؛ اجباری کردن دورهٔ ابتدایی؛ تأسیس مدارس دخترانه؛ استخدام معلمان خارجی؛ تأسیس مدارس به سبک اروپایی؛ اعزام دانشجو به اروپا.
ایران: احداث راه‌آهن سراسری و ایجاد تونل‌ها و پل‌ها و در نتیجهٔ اتصال شمال به جنوب. افغانستان: عدم تحقق اتمام مسیرهای حمل و نقل به خصوص راه‌آهن.	ارتباطاتی بهبود در مسیر ارتباطات و انتقال؛ ترمیم راه‌های قدیمی و طرح احداث مسیرهای جدید.
تأسیس بانک به منظور تسهیل امور مالی در ایران بر خلاف افغانستان؛ تأسیس کارخانجات صنعتی بیشتر در ایران نسبت به افغانستان.	صنعتی - اقتصادی احداث کارخانجات صنعتی؛ ایجاد طرح‌های توسعهٔ صنعتی؛ معاف‌شدن ماشین‌آلات صنعتی و کشاورزی از پرداخت گمرک؛ ایجاد نمایشگاه صنایع در جهت تقویت مصنوعات و صادرات؛ توسعهٔ صادرات و محدودساختن واردات.

که خواهان پایتختی در شأن و مقام پایتخت‌های اروپایی است، شکل گرفت (اقوامی مقدم، ۱۳۷۸، ۲۳۳).
در دورهٔ پهلوی اول، اولین اقدام مدرنیستی تصویب طرح «قانون بلدیة» تحت عنوان نقشهٔ خیابان‌ها در ۱۳۰۹ (۱۹۳۰ م.) صورت می‌گیرد و بعد از آن، تصویب «قانون

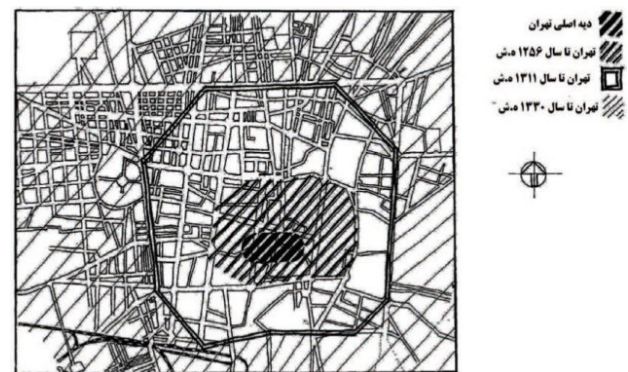
زمانی و ساخت‌وسازهای شطرنجی در ورای طرح هشت‌ضلعی تهران زمان قاجار را نشان می‌دهد که بیانگر تحولی جدید در زمینهٔ شهرسازی است. سازماندهی مجدد بر اساس نیازهای روز، این بار نه از کانال تصمیم فردی همهٔ ساکنان شهر، بلکه توسط نخبگان و در رأس آنها خواسته‌های دولت پهلوی اول

اداری یافت و از سوی دیگر در نظام سرمایه و اقتصاد جدید و در پهنه وابستگی که بی‌تردید نفت زیرساخت آن بود، حالت پایتختی و مرکزیت به خود گرفت. گرایش‌های جنبش آر-نوو به عنوان یکی از جنبش‌های پیشرو اواخر قرن نوزدهم در هنر و معماری اروپا نشان از ورود گسترده این جنبش به معماری معاصر تهران در دوران پهلوی اول دارد. این جنبش به دو گرایش خردستیز و خردگرا تقسیم می‌شود که هر یک و زیرمجموعه‌های آن بر ساختار کالبدی معماری موثر بود (جدول ۳)، (حقیق، ۱۳۸۷).

آنچه که واضح است رضاشاه توانست با استفاده از پدیده جهانی ناسیونالیسم معاصر در قالب یک دیدگاه سیاسی تعریفی جدید از ملی‌گرایی را در قبال ناسیونالیسم تاریخی که جایگاهی مداوم در طول تاریخ داشت، ارائه دهد که بزرگ‌ترین ثمره‌اش جایگزینی کردن علایق ملی و باستانی به جای آئین‌های قومی و دینی بود. این پدیده در آغاز سلطنت رضاشاه همراه با نوسازی، توسعه و با دست‌اندازی به داشته‌های تاریخی، حرکتی نهضت‌گونه را در تمام زمینه‌ها ایجاد کرد که یکی از آثارش معماری‌ای بود با گرایش شدید باستانی. معماری دوران هخامنشی و به ویژه آثار باقیمانده



تصویر ۲. خیابان پهلوی (۱۳۱۰) از اولین خیابان‌های دستوری تهران. مأخذ: آقایی، ۱۳۹۰، ۱۱۶.



تصویر ۳. تحولات و رشد کالبدی تهران از ابتدا تا ۱۳۳۰. مأخذ: حبیبی، ۱۳۶۸.



تصویر ۶: خیابان



تصویر ۴. نمونه‌ای از تخریبات در دوره پهلوی اول. بالا: دروازه دولت در دوره قاجار. مأخذ: خزاعی، صافی‌زاده، افخمی و سنوسی‌حسن، ۱۳۹۸، ۶۷؛ پایین: تخریب دروازه دولت در طرح گسترش تهران. مأخذ: شیرازیان، ۱۳۹۴، ۱۷۰.

تعریض و توسعه معابر و خیابان‌ها» در ۱۳۱۲ (۱۹۳۳ م.) جوابی روشن به شهرسازی مدرنیستی و به طور مشخص «شهرسازی هوسمانی» است (زیاری و یوسفی، ۱۳۸۲، ۱۳۱). با تخریب ۱۲ دروازه تهران و تعدادی بناهای دیگر در سال ۱۳۰۹ (۱۹۳۰ م.) به منظور «نوسازی شهری»، بلوارهای عریض و خیابان‌های تازه‌احداث به تقلید از شهرهای اروپایی از میان بافت قدیمی شهر عبور کرد (تصویر ۴) (پورزرگر، عابدینی و اعتمادی، ۱۳۹۹، ۱۰)؛ در واقع بافت‌های ارگانیک شهری را برید و ابتدا و انتهای شهر به هم وصل کرد. در طرح ۱۳۱۶ (۱۹۳۷ م.) که از الگوی «شهر صنعتی» تبعیت می‌کرد، مکان بیمارستان، دانشگاه، کارخانه و ایستگاه راه‌آهن در خارج از بافت موجود پیشنهاد شد که فاصله‌های آنها منطبق با فاصله تعریف شده در الگوی شهر صنعتی بود. طرح مذکور به نحو بارزی متأثر از جنبش شهرسازی و معماری مدرن بین‌المللی مثل بافت شطرنجی و جدایی عملکردی آن بود (حبیبی و اهری، ۱۳۸۵، ۴۲) به طوری که عملکردهای جدید در هسته کهن شهر تعبیه شده بود و ساختمان‌های دادگستری و دارایی با سبک جدید بر روی خرابه‌های ساختمان‌های قدیمی اعمار گردید (زیاری و یوسفی، ۱۳۸۲، ۶).

جدول ۳. سبک‌های معماری موثر بر تغییر کالبد تهران در دوره پهلوی اول. مأخذ: نگارندگان.

جنش معماری	گرایش	سبک	زیرمجموعه سبک	اثر معماری
آر-نو	۱. خردستیز	الف: آر-دکو	-	شرکت آجیب
		ب: اکسپرسیونیسم	اکسپرسیونیسم فرمالیستی رمانتیسیسم اروپایی	ساختمان پرچم ایستگاه راه آهن تهران
آر-نو	۲. خردگرا	الف: پره مدرن	رمانتیسیسم ایرانی	دبیرستان انوشیروان دادگر
		ب: نئوکلاسیسم	بیان غیرمستقیم	موزه ایران باستان
آر-نو	۲. خردگرا	الف: پره مدرن	بیان غیرمستقیم	دبیرستان دخترانه اثر هوانسیان
		ب: نئوکلاسیسم	-	دانشکده پزشکی دانشگاه تهران

نقش چشم‌گیری ایفا می‌کرد، تبدیل روستای کوچک کوهستانی در پغمان^۱ به یک استراحتگاه تابستانی به سبک اروپایی زیر نظر معماران ترک و ایتالیایی بود که جزو اولین تلاش‌های شاه محسوب می‌شود (Katrak, 1929, 48). پروژه بلندپروازانه دیگر او برای بیان برتری روش‌های اروپایی در تمام جنبه‌های زندگی ایجاد یک پایتخت مدرن به سبک غربی (دارالامان^۲) در یک مکان جدید به عنوان مرکز اداری-دولتی و مسکونی بود. طراحی مجموعه را آندره گدار و اجرای آن را مهندسین آلمانی به عهده داشتند. طرح از شبکه‌ای متراکمی از خیابان‌ها و بولوارهایی با زاویه قائمه (خیابان‌های صلیبی) و از یک الگوی شطرنجی پیروی می‌کرد (تصویر ۵). خیابان اصلی در منطقه دهمزنگ^۳ به تپه تاج‌بیگ به طول شش کیلومتر و عرض آن ۲۰ متر بود و در دو سمت آن درختان، باغ‌ها و خانه‌هایی به سبک اروپایی تعبیه شده بود و در میانه راه یک میدان بزرگ قرار داشت. در غرب میدان محدوده‌ای برای مدرسه و در شرق میدان، ادارات حکومتی شهر پیرامون پارک مربعی شکل تعبیه شده بود (تصویر ۶).

• تغییرات درون شهری

در بافت موجود شهر هم تغییراتی حاصل آمد. چهارباغ اطراف مقبره تیمورشاه به پارک عمومی تبدیل شد (Markowski, 1932, 55). علاوه بر تعریض معابر، خیابان‌کشی‌های جدید کابل با هندسه مستقیم‌الخط (میراث قرن ۱۹م) انجام گرفت. در حاشیه سمت چپ رودخانه، خیابانی در امتداد رودخانه اندرایی ساخته شد (Schinasi, 2016, 132-133). با ایجاد مرکز جدید شهری در سمت چپ رودخانه اندرایی فعالیت‌های شهری به سمت غرب و در امتداد جاده جدید بازار شاهی، ادامه یافت. این بازار به عنوان جداره

در تخت جمشید و پاسارگاد که جلوه‌گاه عظمت این کشور در دوران هخامنشی بود، الگوی بسیار مناسبی برای استفاده در این شیوه شد، استفاده از بیان مستقیم از طریق موتیف‌ها و نقوش ابنیه آن دوران روشی بود که معماران این سبک برگزیده بودند. این دوره کوتاه ولی نمایان باستان‌گرایی در ابراز اندیشه‌ها و اهداف ناسیونالیستی خود سه هدف داشت: حذف تدریجی دین اسلام از صحنه سیاست و کنارگذاشتن نشانه‌های فکری و عملی دین، تقویت آئین زرتشت به منظور وجه المصلحه قرار دادن برای اقتدار باز یافته دوران پیش از اسلام و توجه به شاهنامه فردوسی در ادبیات جدید پهلوی و بهره‌برداری از آن در جهت احیاء دوباره تمدن باستانی (کیانی، ۱۳۸۳، ۸۹).

تأثیر مدرنیزاسیون بر ساختار کابل

حکومت امانی، کابل با توجه به تغییرات اساسی در ساختارهای سیاسی و اجتماعی، تحت تأثیر جنبش‌های داخلی و نیروهای خارجی، جریان متفاوتی را تجربه کرد. از اولین تأثیرات آن می‌توان به تقسیم کابل به نواحی گوناگون اشاره کرد. حکومت نیز در پی آن بود الگویی جدید از شهر ارائه دهد که بتواند ضمن تبیین تغییرات در طراحی معماری نسبت به آنچه که پیش از این طراحی می‌شد، اقتدار حکومت را نیز به نمایش بگذارد. این تغییرات در دو دسته ذیل قابل بحث است:

۱. تغییرات برون شهری

۲. تغییرات درون شهری

تغییرات برون شهری

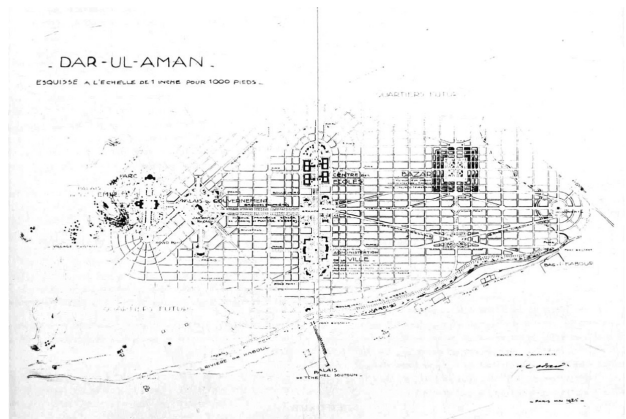
دو پروژه جدید شهری که در تحولات فضایی شهر کابل

از معماری بود. در معماری این دوران سبک اکسپرسیونیسم با توجه به ایده‌آل‌های زمان خود و روحیه ملی‌گرایی به طوری که بتواند بیان‌کننده احساسات اقتدارگرایانه حکومت باشد، مقبول به نظر می‌رسید. ارتباط نزدیک دولت با آلمان زمینه را برای فعالیت مهندسين آلمانی فراهم آورد و منجر به ساخت بناهایی به تقلید از معماری این کشور شد. قصرهای تاج‌بیک (تصویر ۸)، دارالامان (تصویر ۹)، موزه ملی کابل (تصویر ۱۰) و مدرسه امانی (تصویر ۱۱) به سبک رمانتی‌سیسم ملی اروپایی (اکسپرسیونیسم ایده‌آل) در این دوره اعمار شد که قصر دارالامان با بنای رایش‌تاک آلمان کاملاً قابل مقایسه است.

امان‌الله‌شاه در پی اندیشه تعامل میان اقوام و ایجاد وحدت ملی طبق قانون اساسی، همه ساکنین افغانستان را قطع نظر از نسبت قوم، اعتقادات دینی و مذهبی تبعه آن کشور می‌دانست که از آزادی شخصی و برابری برخوردار باشند (ناصری، ۱۳۷۹، ۱۷۷). به عبارت بهتر امان‌الله‌شاه ناسیونالیستی لیبرال بود که وفاداری به ملت را به جای وفاداری به مذهب در افغانستان پایه‌گذاری کرد؛ اما آنچه که قابل تردید نیست جامعه قبیله‌ای، اربابی و قومی چنان ریشه داشت که ناسیونالیسم مدنی، میهن‌پرستی مبتنی بر قانون اساسی و نظریه دموکراسی چندقومی به طور شایسته متولد نشده بود و اطرافیان شاه خواهان ناسیونالیسم قومی بودند؛ به عنوان مثال محمود طرزی -بنیانگذار ناسیونالیسم قومی پشتون در زمان امانی در افغانستان- ریشه تمام ملیت‌های آریایی را افغانستان کنونی و ریشه و تبار همه آریایی‌های جهان را پشتون‌های افغانستان می‌دانست (روان فرهادی، ۱۳۸۷، ۹۲۰-۶۱۹). در سمت دیگر ناسیونالیسم مذهبی -اسلامی بودند که جهت‌گیری آنها در تضاد با سلطه عوامل خارجی و رویکردهای امان‌الله‌شاه شکل گرفت؛ از این رو چنین به نظر می‌رسد بنایی با سبک رمانتی‌سیسم ملی با توجه به معماری باستانی افغانستان در کابل طراحی نشده است و حکومت، اقتدار در معماری را تنها معماری تقلیدی از اروپا می‌دانست.

همچنین در این دوره رعایت اصول معماری نئوکلاسیک خردگرا در برخی از بناها آشکار است که در آنها از تکنولوژی مدرن در ساخت و مصالح استفاده شده است و تزیینات و جزئیات نئوکلاسیک به وفور دیده می‌شود. شاید از بهترین نمونه‌های این سبک بتوان مسجد شاه‌دوشمشیر درون بافت کابل و بناهای مسکونی، هتل و سینما پغمان را مثال زد (تصویر ۱۲) (جدول ۴).

ستون نما، طارمی به صورت تزیینی، تقسیم نما به صورت عمودی، پنجره نیم‌دایره و مستطیل، بیرون‌زدگی متقارن در حجم، سنتوری، سقف‌های عمدتاً شیروانی، پنجره



تصویر ۵. طرح آندره گدار برای منطقه دارالامان. مأخذ: (Schinasi, 2016, 271).



تصویر ۶. خیابان دارالامان (۱۹۴۰ م.). مأخذ: Schinasi, 2016, 255.

خیابان جدید از درب جنوبی ارگ حکومتی و در جهت رودخانه و پل شاهی قدیم (پل سلطنتی یا پل باغ عمومی) توسعه پیدا کرد (تصویر ۷). در واقع مرکز شهر مدرن در محل تلاقی بازار شاهی و توسعه جهت غرب بازار ارگ قرار گرفت (Schinasi, 1979). خیابان جدید از میان معماری محصور و درونگرای کابل قدیم گذشت و در نظام شهری سنتی مداخله کرد. خانه‌هایی به سبک اروپایی در فواصل مناسب از یکدیگر و با عقب‌نشینی نسبت به مسیر عمومی با دید از خیابان ساخته شد. لیکن در پشت خانه‌های جدید، ساختمان‌های قدیمی همچنان پا برجا مانده‌اند؛ چنان‌که هم‌زیستی در بافت قدیم و جدید کالبد معاصر شهر را تشکیل داده است. همچنین طرح‌ها برای ساخت‌وساز بایستی مطابق با مقررات شهرداری و شرایط آن می‌بود. در بخش شمال منطقه ده افغانان، برخی از خانه‌ها به سبک نئوکلاسیک اروپایی ساخته شدند و برای حفظ محرمت، دیوارهای بلند ساخته می‌شد که تمام خانه به جز سقف‌های فلزی و بخشی از باغ‌های بزرگ آنها قابل دید بود (Markowski, 1932).

عامل مؤثر دیگر بر تغییر ساختار کابل نوع تازه‌ای

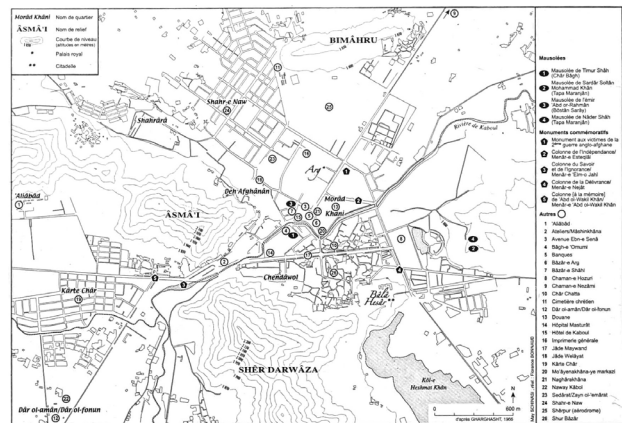
بالکنی^۴ و خطوط منظم هندسی از جمله اجزای معماری نئوکلاسیک این دوره است. بناهای دوره امانیه نقش مهمی در اوج گیری و سرعت یافتن دگرگونی داشت و در واقع روند جدی مدرنیزاسیون و گرایش به معماری غربی از ساختمان های حکومتی و درباری آغاز شد و در ادامه در سایر عرصه های معماری و شهرسازی نفوذ یافت.

تحلیل یافته ها

با توجه به بررسی های انجام شده، به تبعیت از کشورهای غربی در کابل و تهران ساختار شهری تحول یافت، به طوری که موجب تغییر در ساختار بافت های ارگانیک و سنتی شد. بدین ترتیب فضای عمومی به سبک و سیاق شهرهای نوین قرن نوزدهم اروپا شکل گرفت (جدول ۵).

شهرسازی مستقیماً تحت تأثیر مرکزیت دربار و با تأثیر گرفتن رهبران دو کشور از محرک های خارجی در ساخت شهر مدرن صورت گرفت (گسترش از بالا به جامعه). اقتدارگرایی و دولت گرایی، چارچوب مدرن سازی شهر در هر دو دولت بود. در دو شهر این امر نادیده گرفته شد که بدون توجه به مبانی نظری غرب و صرفاً با تقلید مؤلفه های جدید، شهرسازی مدرنیستی به درستی صورت نمی گیرد. همچنین به دلیل کمبود متخصصان داخلی، پیشبرد برنامه نوسازی به کمک نیروها و مهندسیین خارجی صورت گرفت و نقش آنها به اندازه ای است که بدون حضور آنها امکان تحقق این سیاست وجود نداشت. در کابل و تهران الگوی جدیدی تحت عنوان شهر جدید و شهر قدیم شکل گرفت و شهرها رو به دوقطبی شدن گذاشتند. به طور خلاصه شهر مدرنیستی در این دو کشور دورنزا، زایشی، جوششی، پویا و متأثر از زمینه جامعه نبود؛ بلکه بیشتر ناشی از علاقه به ظواهر سبک مدرنیستی و مبتنی بر میل و دستور دولت بود.

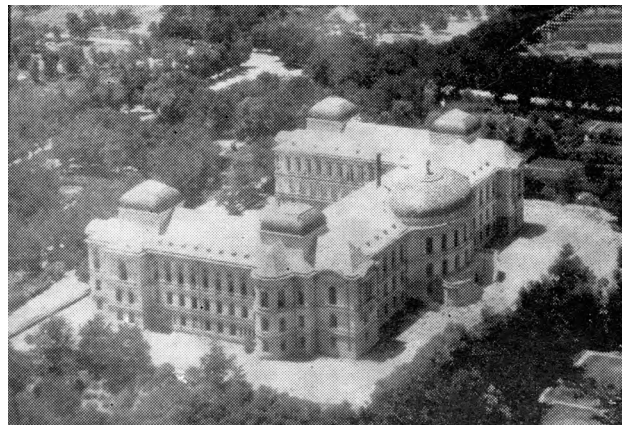
مقایسه شهرسازی کابل و تهران نشان می دهد که تفاوت هایی در شدت تحولات وجود دارد. شرایط آرام دوره ناصری نسبت به دوره پادشاه قبلی کابل (حبیب الله خان^۵) و در پی آن آمادگی بیشتری برای ورود به شهرسازی نوین در دوره رضاخان، ناامنی و شرایط جنگ، بی ثباتی سیاسی و از همه مهم تر پرداختن به مسائل نژادپرستی در حکومت های قبل از امان الله و حتی دوره پادشاهی او، عدم توجه به شهر و معماری، انحصار معماری در اختیار خواص در افغانستان، طولانی ودن حکومت رضاخان نسبت به حکومت امان الله شاه و وجود منابع اقتصادی در ایران همچون نفت، عدم وجود منبع اقتصادی مناسب در افغانستان و وابستگی به سایر کشورها باعث شده بود زمینه و شتاب تغییرات در ساختار شهری در دوران امان الله کمتر فراهم شود. حتی در زمان حکومت خود او نیز مشکلاتی از جمله جنگ سوم با انگلیس، شورش های قومی و مذهبی، مخالفت با



تصویر ۷. نقاط اصلی در شهر کابل (۱۹۴۸-۱۸۸۰ م). مأخذ: Schinasi, 2016, 266.



تصویر ۸. قصر تاج بیگ در دهه ۴۰. مأخذ: غرغشت، ۱۳۴۵، ۸۶.



تصویر ۹. قصر دارالامان در دهه ۴۰. مأخذ: غرغشت، ۱۳۴۵، ۱۶۸.



تصویر ۱۰. موزه ملی کابل. مأخذ: Fakhmzadeh, 2005.

با توجه به مطالب ذکر شده در بخش مبانی نظری و جدول ۵ برای بررسی و تحلیل ساختار تهران و کابل مؤلفه‌های نوگرایانه طراحی شهری جدول ۶ در دو حوزه کالبدی و عملکردی به بررسی و تحلیل الگوها و پارامترهای نوگرایانه طراحی می‌پردازد. در این جدول وجود مؤلفه‌ها با علامت + و عدم وجود آن با علامت - نشان داده شده‌اند.

نتیجه‌گیری

پادشاهان تازه به قدرت رسیده در ایران و افغانستان، تلاش برای پرکردن فاصله عقب‌ماندگی کشورشان با کشورهای پیشرفته غربی را آغاز کردند. این جبران را در فاصله‌گرفتن از باورهای سنتی و اصلاحات اجتماعی و اقتصادی و نوسازی در شهر دانستند؛ بررسی‌ها، نکات مهمی را در مقایسه ساختار فضایی-کالبدی تهران و کابل و عوامل زمینه‌ساز آنها در دوره‌های مورد مطالعه مشخص می‌کند. در هر دو شهر تغییرات کالبدی-فضایی بر اساس پروژه مدرنیزاسیون اتفاق افتاد (جدول ۵ و ۶) و در این توسعه نوین شهری لایه مدرن ظهور یافت اما شدت تغییرات در کابل نسبت به تهران خفیف‌تر و تعدد سبک معماری در تهران بیشتر از کابل است (جدول ۳ و ۴)؛ این به دلیل برقراری نظام سیاسی باثبات‌تر و طولانی‌تر در حکومت رضاشاه و نقش درآمدهای نفتی در حفظ ثبات اقتصادی کشور است. نکته قابل توجه دیگر زمینه‌های مدرنیسم (دوره ناصری) در ایران برای تحولات شهری بیشتر فراهم بود؛ یعنی جامعه و بافت اجتماعی نزدیکی بیشتری به نسبت جامعه افغانستان با محتوای غربی نوسازی داشت. مدرنیزاسیون در ایران و افغانستان همچنین از بالا و آمرانه بود و نتیجه آن ایجاد ساختارهای جدید که بخش عظیمی از شهر را متحول می‌سازد و در واقع با تقسیم‌بندی شهر به عنوان مثال به بخش اداری و غیره به دنبال جدایی عملکردی شهری بنابر منطقه‌بندی بود. بررسی توسعه شهری در بخش نظری نشان می‌دهد توسعه در دو شهر منشأ و جهت‌گیری خارجی داشته و نتیجه عملکرد داخلی نظام اجتماعی نبوده است؛ از این رو این نوسازی به شکلی تقلیدی پیش می‌رفته است و به گونه‌ای بود که بدون در نظر گرفتن مقتضیات جامعه سنتی و پیشامدرن و عدم آشنایی جامعه با مبانی نظری و تجربه تدریجی مدرنیزاسیون، نه تنها در حوزه شهری بلکه در سایر حوزه‌ها از جمله اجتماعی با انفجار مدرنیته در درون خود مواجه شد. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان ویژگی‌های اصلی حاکم بر شهرسازی نوین معاصر در تهران و کابل را چنین بیان کرد:

در دوره پهلوی اول و امانی برای اولین بار در تاریخ شهرسازی ایران و افغانستان، دخالت ارادی و برنامه‌ریز شده در بافت قدیمی پایتخت دو کشور در سطح کلان صورت می‌گیرد. توجه حکومت ایران به میزان زیادی به معماری تاریخی معطوف شد و



تصویر ۱۱. مدرسه امانی. مأخذ: سالنامه کابل، ۱۳۱۶/ ۱۹۳۷م، ۱۱۳.



تصویر ۱۲. معماری نئوکلاسیک در کابل. بالا: مسجد شاه‌دوشمشیر در ۲۰۲۰م. مأخذ: آرشیو نگارندگان. وسط: هتل بهار پغمان. مأخذ: Dupree, 1977, 18. پایین: سینما پغمان. مأخذ: Kahn, 1928.

رویکرد امان‌الله‌خان وجود داشت که هر یک موجب ضربه به حضور مدرنیسم در افغانستان می‌شد.

جدول ۴. سبک‌های معماری موثر بر تغییر کالبد کابل در دوره امانی. مأخذ: نگارندگان.

جنش معماری	گرایش	سبک	زیرمجموعه سبک	اثر معماری	
آر-نوو	۱. خردستیز	الف: آر-دکو	-	-	
		ب: اکسپرسیونیسم	اکسپرسیونیسم فرمالیستی	قصرهای دارالامان و تاج‌پیک	
	۲. خردگرا	الف: پره مدرن	رمانتی‌سیسم اروپایی	بیان مستقیم	-
		ب: نئوکلاسیسم	رمانتی‌سیسم افغانستان	بیان غیرمستقیم	-

جدول ۵. عناصر جدید شهری تهران و کابل. مأخذ: نگارندگان.

مؤلفه	ویژگی	تهران	کابل
خیابان	۱. خیابان‌کشی صلیبی ۲. محمل پیاده‌شدن طرح شهری ۳. نفوذ در بافت قدیمی	۱. خیابان باب‌همايون ۲. خیابان پهلوی (ولیعصر)	۱. خیابان دارالامان ۲. خیابان اندارابی
میدان خودرومحور	۱. در تقاطع خیابان‌ها ۲. کنترل تردد ترافیک	۱. میدان حسن‌آباد ۲. میدان مخبرالدوله	۱. میدان مقابل قصر دارالامان
بازار	۱. انتقال بازار قدیمی به حاشیه خیابان (بدنه تجاری)	۱. بازار امتداد خیابان ولیعصر	۱. بازار شاهی ۲. بازارهای در امتداد رودخانه اندارابی
بافت شهر	۱. شطرنجی ۲. قرارگیری بافاصله بناهای جدید به عنوان جداره خیابان ۳. بافت قدیمی پشت بناهای جدید ۴. بناها به تقلید از غرب ۵. ناحیه‌بندی ۶. الگوبرداری از طراحی شهری قرن نوزدهم اروپا	۱. حسن‌آباد ۲. توپخانه	۱. ده افغانان ۲. دارالامان ۳. پغمان
عناصر جدید شهری	۱. ایجاد بناهای جدید پاسخگو به نیازهای جامعه مدرن	۱. تبدیل میدان مشق به باغ ملی ۲. قرارگیری کاربری‌های اطراف خیابان نظیر اداره پست و غیره. ۳. کارخانجات	۱. پارک عمومی تیمورشاهی ۲. قرارگیری کاربری‌ها اطراف خیابان از جمله بلدییه و بانک ۳. کارخانجات صنعتی ۴. ایجاد پل‌های ماشین‌رو (پل هارتن)

و تفریحی) است. سو یک تپه بسیار زیبا و باشکوه پغمان است که در جوار قلعه شیخ میر قرار گرفته است.
 ۲. (Dar-ul-Aman). منطقه‌ای واقع در جنوب غربی کابل.
 ۳. (Deh Mazang). منطقه‌ای واقع در غرب کابل.
 ۴. Oriol windows
 ۵. امیر حبیب‌الله خان پنجمین خان بارکزی که در ۱۹۰۱ م. بر کرسی پادشاهی نشست. وی در ۱۹۱۹ م به ضرب شش‌لول کشته شد و پسرش نصرالله خان موقتاً امارت افغانستان را متصرف شد. لیکن کمی بعد امان‌الله خان پسر سوم حبیب‌الله خان برادر خود را مغلوب کرد و خود شاه افغانستان شد.

فهرست منابع

- اهلرس، آکارت. (۱۳۸۰). *ایران (شهر-عشایر-روستا)* (ترجمه عباس سعیدی). تهران: منشی.
- آقایی، مجتبی. (۱۳۹۰). *طهران: عکس‌هایی از تهران قدیم و نگاهی تطبیقی به تهران قدیم و امروز*. ج. ۱. تهران: سازمان زیباسازی شهر

این نوع نگاه در حکومت افغانستان دیده نمی‌شود و نشانه‌هایی از معماری گذشته در این دوره در مقیاس تک‌بنا به کار گرفته نشده است، اما در شهرسازی، به طور یکپارچه مؤلفه‌های نوین شهرسازی اروپا در نظر گرفته شد. در این کشورها هیچ گونه الهام یا بهره‌ای از شهرسازی کهن ایران و افغانستان دیده نشد. شهرسازی نوین با این استدلال که ساختار قدیمی شهر پاسخگوی نیازهای اجتماعی دنیای مدرن امروز نیست بافت کهن، میراث و ارزش‌های فرهنگی شهر را یا تخریب کرد و یا دگرگونی عظیمی در آن ایجاد کرد.

پی‌نوشت

۱. (Paghman) ولسوالی پغمان (در قدیم پمقان) یکی از شهرستان‌های استان کابل در افغانستان است. فاصله پغمان از مرکز شهر ۲۵ کیلومتر است. در استان کابل واقع شده و دارای دوره تفریحی و مشهور به نام‌های دره پغمان و دره پشه‌ای (دره‌های بسیار سرسبز

جدول ۶. تحلیل مؤلفه‌های نوین طراحی شهری تهران و کابل. مأخذ: نگارندگان.

عملکردی (کارکردی)	کالبدی (ریخت‌شناسی)
گسترش مناطق سبز و کاشت درختان در حاشیه خیابان	شهر
تسهیل ترافیک سواره	استفاده از مواد فلز، شیشه و بتن
تمرکز بر ساختمان‌ها با کارکردهای جدید مانند شهرداری، معازنه، پست	پروان گراینی کالبدی و وسعت دید و منظر
همجواری کاربری‌های گوناگون اطراف خیابان	کشیدگی و ساختار افقی پیوسته در منظر شهری
گسترش شبکه راه‌های سواره چلبی‌های شکل و شبکه منظم شطرنجی و شعاعی خیابان‌ها	سبک معماری تلفیقی از معماری اسلامی و معماری باستان‌گرا
قطعه بندی‌های بزرگ شهری و تک بناهای شاخص	سبک معماری نئوکلاسیک غرب
	سبک معماری تلفیقی از معماری اسلامی و معماری باستان‌گرا
	کشیدگی و ساختار افقی پیوسته در منظر شهری
	پروان گراینی کالبدی و وسعت دید و منظر
	استفاده از مواد فلز، شیشه و بتن
	شهر
	تهران
	کابل

• حبیبی، محسن و اهری، زهرا. (۱۳۸۵). معماری و شهرسازی ایران در ۱۳۲۰-۱۳۱۰ه. ش. اولین پژواک نوآوری و دومین پژواک نوآوری: الگوی تهران. صفه، ۱۵ (۴۲)، ۴۹-۴۰.

• حسینی، سیدسعید و مریدی، محمدرضا. (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی هنر ایران و ترکیه در بستر تحولات اجتماعی دوران مدرن. نامه هنرهای تجسمی و کاربردی، ۱۱ (۲۱)، ۱۲۰-۱۰۱.

• حقیر، سعید. (۱۳۸۷). سبک‌شناسی آر-نوو در معماری معاصر ایران. هنرهای زیبا، ۳۵ (۳۵)، ۷۳-۶۳.

• خزاعی، فاطمه؛ صافی‌زاده، مینا؛ افهمی، رضا و سنوسی‌حسن، احمد. (۱۳۹۸). تأثیرپذیری تزیینات معماری کرمان از فرهنگ ایرانی، هندی و چینی (عهد صفویه تا دوران معاصر). باغ نظر، ۱۶ (۷۲)، ۸۰-۶۵.

• خلیلی‌خو، محمدرضا. (۱۳۷۳). توسعه و نوسازی ایران در دوره رضاشاه. تهران: مرکز انتشارات جهاد دانشگاهی.

• دیگار، ژان‌پیر؛ هورکارد، برنارد و ریشار، یان. (۱۳۷۸). ایران در قرن بیستم (ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی). ج. ۲. تهران: البرز.

• روان‌فرهادی، عبدالغفور. (۱۳۸۷). مقالات محمود طرزی. کابل: انستیتوت دیپلوماسی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی افغانستان.

• زبیری، کرامت و یوسفی، علی. (۱۳۸۲). توسعه کالبدی تهران در فرایند مدرنیسم، پست‌مدرنیسم و جهانی شدن. مدرس، ۷ (۲)، ۱۴۰-۱۲۵.

• سالنامه کابل. (۱۳۱۶). کابل: انجمن ادبی.

• سعیدی‌رضوانی، نوید. (۱۳۷۱). شهرنشینی و شهرسازی در دوره بیست ساله ۱۳۲۰-۱۳۰۰ ه. ش. (دوران حکومت رضاخان). تحقیقات جغرافیایی، ۷ (۲)، ۱۶۵-۱۴۰.

• سوداگر، محمدرضا. (۱۳۵۷). رشد روابط سرمایه‌داری در ایران (مرحله انتقالی). تهران: موسسه تحقیقات اقتصادی و اجتماعی پازند.

تهران.

• آبراهامیان، پرواند. (۱۳۷۸). ایران بین دو انقلاب (ترجمه احمد گل‌محمدی و محمد ابراهیم فتاحی). تهران: نی.

• باری‌پر، جولیان. (۱۳۶۳). اقتصاد ایران (۱۹۷۰-۱۹۰۰). تهران: مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی و سازمان برنامه.

• پارس‌پور، حسن و توانا، محمدحسن. (۱۳۹۲). پست‌مدرنیسم و شهر با تأکید بر الگوها و طرح‌های برنامه‌ریزی شهری. پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۴ (۱۳)، ۷۶-۵۷.

• پوراحمد، احمد و موسوی، سیروس. (۱۳۸۹). ماهیت اجتماعی شهر اسلامی. شهر ایرانی-اسلامی، ۱۱ (۲)، ۱-۱۱.

• پوراحمد، احمد؛ فرجی‌ملایی، امین؛ منوچهری، ایوب و عظیمی، آزاده. (۱۳۹۰). تأثیر مدرنیسم بر توسعه فضایی-کالبدی شهرهای ایرانی-اسلامی (نمونه تهران). شهر ایرانی اسلامی، ۲ (۶)، ۶۱-۴۷.

• پورزرگر، محمدرضا، عابدینی، حامد و اعتمادی، علی. (۱۳۹۹). نقش‌آفرینی مؤلفه «خیابان» بر روند تجددگرایی و توسعه تهران نمونه موردی خیابان الله‌زار. باغ نظر، ۱۷ (۹۱)، ۱۶-۵.

• تکمیل همایون، ناصر. (۱۳۷۸). تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران: از آغاز تا دارالخلافه ناصری. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

• غبار، محمدغلام. (۱۳۶۸). افغانستان در مسیر تاریخ. ج. ۱. تهران: انقلاب و جمهوری.

• غبار، محمدغلام. (۱۳۷۸). افغانستان در مسیر تاریخ. ج. ۲. تهران: انقلاب و جمهوری.

• جمالی، فیروز و ملکی، سعید. (۱۳۸۴). جستاری بر مکاتب مدرنیسم و پست‌مدرنیسم در معماری و شهرسازی. مسکن و محیط روستا، ۳۸-۲۵ (۱۰۹).

• حبیبی، محسن. (۱۳۹۰). از شار تا شهر. تهران: دانشگاه تهران.

- Doorandesh, S. (2019). Wave of Modernization in Muslim World: Myths and Realities. *Kardan Journal of Social Sciences and Humanities*, 2 (2) 57–77.
- Dupree, N. (1977). *Early twentieth century Afghan adaptations of European architecture*. London: Art and Archaeology Research Papers.
- Ehlers, E. & Floor, W. (1993). Urban Change in Iran, 1920-1941. *Iranian Studies*, Taylor & Francis, Ltd, 26 (3-4), 251 - 275.
- Fakhmzadeh, B. (2005). *Kabul's national history museum*. Retrieved July 8, 2021, from <https://www.flickr.com/photos/mastababa/2533420985/>
- Fouchet, M. (1933). *Notes sur l'Afghanistan*. Cambridge University Press.
- Kahn, A. (1928). *Les collections du musée départemental Albert-Kahn*. Retrieved July 14, 2021, from <http://www.collections.albert-kahn.hauts-de-seine.fr/>.
- Katrak, S. K. H. (1929). *Through amanullah's afghanistan 1929*. Karachi: Sind Observer and Mercantile Steam Press.
- Markowski, B. (1932). *Die materielle Kultur des Kabulgebietes*. Leipzig: Asia Major.
- Poullada, L. B. (1973). *Reform and Rebellion in Afghanistan, 1919–1929*. Ithaca and London: Cornell University Press.
- Saikal, A. (2004). *Modern Afghanistan, A History of Struggle and Survival*. London and New York: IB Tauris.
- Schinasi, M. (1979). *Afghanistan at the beginning of twentieth century: Nationalism and journalism: a study of Serajul- Akhbar (1911-1918)*. Seminario di studi asiatici, Series Minor III. Naples: Istituto Universitario Orientale.
- Schinasi, M. (2016). *Kabul: A History 1773-1948* (R. D. McChensey, Trans.). Leiden: Brill.
- شمعی، علی. (۱۳۸۹). نقش الگوهای شهرسازی سنتی در شهرسازی مدرن شهر یزد. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۱(۱)، ۹۳-۱۰۵.
- شیرازیان، رضا. (۱۳۹۴). *اطلس تهران قدیم*. تهران: داستان.
- عارض، غلام جیلانی. (۱۳۷۷). *کابل: کابل دیروز، کابل امروز و کابل با فردای مبهم آن*. پشاور: زاهد عمر لمیتد.
- غرغشت، محمدناصر. (۱۳۴۵). *رهنمای کابل*. کابل: انتشارات بی‌نا.
- قبادیان، وحید و رضایی، محمود. (۱۳۹۳). نخستین میدان مدرن شهر تهران بررسی دگردیسی تاریخی-فضایی میدان های کهن تهران تا دوره مدرن. *پژوهش های جغرافیای انسانی*، ۴۵(۴)، ۱۹۶-۱۷۷.
- کاتوزیان، همایون. (۱۳۸۵). *اقتصاد سیاسی ایران*. تهران: مرکز.
- کیانی، مصطفی. (۱۳۸۳). *معماری دوره پهلوی اول (دگرگونی اندیشه ها، پیدایش و شکل گیری معماری دوره بیست ساله معاصر ایران (۱۳۲۰-۱۲۹۹)*. تهران: انتشارات موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- گریگوریان، وارتان. (۱۳۹۶). *ظهور افغانستان نوین (ترجمه علی عالمی کرمانی)*. تهران: عرفان.
- ماگنوس، رالف و نبی، ادن. (۱۳۸۰). *افغانستان (روحانی، مارکس، مجاهد)* (ترجمه قاسم ملکی). تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل.
- وزینی افضل، مهدی. (۱۳۹۸). *سیاست های نوگرایانه دولت پهلوی در ساختار شهری و تأثیر آن بر بافت تاریخی بین سال های ۱۳۴۰ - ۱۳۰۴ شمسی (مطالعه موردی: بافت تاریخی شهر یزد)*. *تاریخ اسلام و ایران*، ۲۹(۴۲)، ۱۹۷-۱۷۳.
- یزدانی، محمدحسن و پوراحمد، احمد. (۱۳۸۶). *تأثیر مدرنیسم بر تحولات کالبدی شهرهای ایرانی- اسلامی، نمونه تبریز*. *تحقیقات جغرافیایی*، ۲۲(۱)، ۵۲-۲۹.
- Banani, A. (1961). *The Modernization of Iran (1921 – 1941)*. Stanford: Stanford University Press.
- Burki, S. Kh. (2011). *The Politics of Zan from Amanullah to Karzai, in Land of the Unconquerable: The Lives of Contemporary Afghan Women*. Berkeley and Los Angeles: University of California Press.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:
 یاسر جعفری، علی و حقیر، سعید. (۱۴۰۱). تأثیر مدرنیزاسیون بر ساختار کالبدی-فضایی تهران در دوره پهلوی اول و کابل در دوره امانی. *باغ نظر*، ۱۹(۱۱۰)، ۱۰۱-۱۱۴.



DOI:10.22034/BAGH.2022.279946.4857
 URL:http://www.bagh-sj.com/article_148810.html